

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/08/01

مسح یا غسل رجلین از دیدگاه قرآن:

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. مائده 6

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را بجا آورید!

به حول و قوه الهی ما اولین بحث از مباحث بین شیعه و سنی که امروز به جای آن که ما آن ها را مورد هجمه قرار دهیم که بر خلاف کتاب، سنت و سیره صحابه و اهل بیت علیهم السلام عمل می کنند، آن ها را مورد هجمه قرار

داده اند و نماز هاي ما را باطل تصور مي کنند و اقتدا کردن به شيعي را به خاطر بطلان وضو حرام مي دانند؛ با اين که اين نهايت لطف اهل بيت عليهم السلام به شيعه و اهل سنت است؛ با اين که نمازشان نماز درست و حسابي نيست و بر خلاف کتاب و سنت است؛ ولي بر ما امر فرموده اند که براي تأليف قلوب آن ها در مواردی که نیاز اقتضاء کند پشت سر آن ها نماز بخوانيد، حتي نماز پشت سر اهل سنت را مانند خلف رسول الله تلقي فرموده اند؛ ولي متأسفانه آن ها در برابر اين همه لطف اهل بيت عليهم السلام نه تنها کوچکترين عکس العملي ندارند؛ حتي آن زماني که مقام معظم رهبري به سيستان رفته بود، آن ها رسماً گفتند که ما نمي توانيم اقتدا کنيم و مي گفتند که حتي يك فقيه از ما فتوي نداده است که بشود پشت سر شيعي نماز بخوانيم، ما چه کار کنيم؟ و دنبال راه چاره مي گشتند.

البته خود اهل سنت هم در مسائل وضو و نماز با هم ديگر اختلاف دارند، و حتي حاضر نيستند که پشت سر هم ديگر نماز بخوانند. سال قبل که در کنفرانس وحدت اسلامي رفته بودم، ديديم که اهل سنت سيستان و بلوچستان يك طرف نماز مي خواند، اهل سنت سنندج يك طرف، اهل سنت خارج از کشور يك طرف ديگر و ما هم يك طرف ديگر. اختلافشان فقط با شيعه نيست، با هم ديگر هم اختلاف دارند؛ مثلاً حنفي ها وضو با آب ميوه را جايز مي دانند، ولي بقيه باطل مي دانند و مي گویند ما نمي دانيم که اين آقا وضویش وضوي شرعي بود يا غير شرعي و لذا پشت سر هم ديگر نماز نمي خوانند. بعضي ها تأمین را واجب و بعضي واجب نمي دانند، بعضي تکتف را واجب و بعضي ديگر واجب نمي دانند.

بررسی آیه شریفه :

ما اصلا کاري به سنت نداريم و ما هستيم و اين آیه شریفه.

آیت الله سبحانی از سه محور آیه را مورد بحث قرار داده است:

محور اول: این آیه مخاطبینش عموم مردم است، عوام، خواص، مرد، زن، شهری، روستایی. این که مخاطب جمهور مؤمنین است، اقتضای حکم و موضوع این است که هیچ تعقید و مشکلی در بیان نباشد؛ به طوری که عموم مردم با خواندن این آیه حکم شرعی را بفهمند و این آیه هم مربوط به یک عملی از مسلمین هست که بیست و چهار ساعته مورد نیاز همه هست. مثل حج و زکات و... نیست.

زکات مبتلا به آن دسته از کسانی است که دارای غلات و بعضی از گاو و گوسفند است و آن هم به شرطی که به حد نصاب برسد. مثلاً بیست درصد از مردم مبتلا به آن است. حج مال آن دسته از کسانی است که به استطاعت برسند؛ ولی در وضو همه مردم گرفتار آن هستند. و لذا خطاب باید طوری باشد که همه مردم بفهمند و گرنه با حکمت و فصاحت و بلاغت منافات دارد.

با توجه به این می بینیم آیه شریفه آمده دو تا غسل و دو مسح را خیلی واضح و روشن بیان کرده است.

الف) إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ؛

بعد از وجوه، ایدي است و ذکر شد؛ اگر قرار بود چیز دیگری هم غسل شود باید ذکر می شد. بعد حکم دیگری شروع می شود:

ب) وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ.

سپس حکم مسح گفته می شود؛ مسح سر و پاها.

ملاك فهم عموم مردم است. اگر چنانچه ما این آیه را بر يك عربي که دور از محیط از محیط فقهی و اختلافات مسلمین هست عرضه کنیم، و از او سؤال کنیم که آیا خدای عالم چه حکمی از تو خواسته است؟

این عرب دور از هیاهوی فقهی می گوید: غسلتان و مسحتان. اصلا تردید نمی کند که فکر کند که آیا این آیه عاملش چي است، آیا ارجل عطف می شود به محل رؤوس یا به لفظ او و یا به اغسلو و... این کارها را يك عرب خالی الذهن تصور نمی کند.

نکته دیگری که ایشان خیلی مانور داده است ، تحت ماهو العامل؟

در بحث نحوی آیا در کلمه «ارجل» عامل «وامسحوا» است یا عامل «فاغسلوا» است. با این دو تا عامل که هر دو صلاحیت دارد در ارجل عمل کند، مقتضای ادبیات عربی این است که در صورتی که دو عامل نزاع کنند، در عمل بر يك معمول اصل اولیه این است که اقرب العاملین عمل کند.

اصل اولیه برای من مشکل است؛ چون در خود صمدیه هم که ما خواندیم، هم اقرب العاملین قائل دارد و هم اول العاملین؛ ولی اکثریت نحات بر این هستند که در صورت تنازع دو عامل بر سر يك معمول، الاقرب یمنع الابدع، اگر کلمه اکثریت را به کار ببریم به نظر من صلاحیتش بیشتر است.

اگر ما عمل را به اقرب دادیم، وامسحو در ارجل هم عمل می کند. ارجل بخوانیم عطف می شود به لفظ رؤوس، ارجل بخوانیم عطف به محل رؤوس که مفعول به وامسحوا است. در هر صورت وجوب مسح سر و مسح رجليں ثابت است.

کتابی دارد مرحوم کراچکی به نام *القول المبین عن وجوب مسح الرجلین*. ایشان برای تأیید این نظریه که اقرب العاملين باید عمل کند، می رود سراغ آیات قرآن و سه چهار آیه از قرآن می آورد که در این آیات اقرب العاملين عمل کرده نه اول العاملين. مثل:

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا الجن: 7 .

در این جا عامل دو تا است: یکی «ظنوا» و دیگری «ظننتم» و معمول هم یکی که همان «أن لن يبعث» باشد. در این جا تمام مفسرین به اتفاق آراء گفته اند جمله ظننم عمل کرده است نه ظنوا؛ زیرا اگر ظنو عمل می کرد، باید می خواندیم «ظننتموه»؛ زیرا اگر چنانچه ظنوا عمل کند، آن لن یبعث می رود و می چسپد به ظنو و ظننتم را بخواهیم عطف بدهیم باید بگوییم کما ظننتموه. این جا ظننتموه نیامده است و مفعول او ظاهر نشده است، چون مفعول او آن لن یبعث... است.

و همچنین در آیه 13 سوره کهف:

أَتُونِي أَفْرَغْ عَلَيْهِ قَطْرًا . کهف: 96.

در این جا هم «افرع» عمل کرده، نه «أتونی».

در آیه شریفه:

هَأْوُمْ أَفْرَعُوا كِتَابِيَهٗ . الحاقه: 19

افرعوا عمل کرده؛ چون اگر هاؤم عمل می کرد، کتاب باید حالت رفعی به خود می گرفت.

بعد مي گوید: با توجه به این قضیه، در آیه مورد نظر ما هم باید عامل «وامسحوا» باشد نه «فاغسلوا»؛ چون اگر بخواهد امسحوا عمل نکند و فاغسلوا عمل کند، لازم مي آید يك جمله مستقل معترضه بين عامل و معمول قرار گیرد و این خلاف فصاحت است و عرب جز در موارد ضروري زیر بار این نمی رود.

اگر چنانچه کسی بگوید که «رأیت زیذا و عمرا و مررت بخالد و بکر» بکر را اصلا اعراب نگذارد. اگر به دست يك عرب یا کسی که با ادبیات عرب سر و کار دارد بدهیم، قطعا عامل را به مررت خواهد داد.